

Contemporary Islamic law Debate

An Analysis of the Qur’anic and Hadith-Based Foundations of Addiction Prevention

Reyhaneh Zare Dehabadi¹ Ali Ghobadian² Nafiseh Motevallizadeh Naeini³

1. Assistant Professor, Department of Fiqh and Foundations of Islamic Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, Ardakan University, Yazd, Iran. Email: r.zaredehabadi@ardakan.ac.ir
2. Ph.D. in Criminal Law and Criminology; Head of the Research Institute for Islamic Studies of Law and Judiciary, Judiciary Research Institute, Tehran, Iran (Corresponding Author). Email: a.ghobadian@jri.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Meybod University, Yazd, Iran. Email: motavallizade@meybod.ac.ir

Abstract

Beyond its physical and psychological harms, drug addiction entails wide-ranging social and economic consequences, such as an increase in related crimes, poverty, begging, the wasting of material resources, and the weakening of cultural and moral values and norms. Addiction prevention, as one of the important social imperatives, therefore requires the identification and reduction of underlying conditions and risk factors. In this regard, religious and spiritual teachings and beliefs, by fostering hope, meaning, and the capacity to cope with life’s difficulties, can play an effective role in reducing psychological pressures and improving quality of life, particularly among individuals at risk of addiction. This study aims to explain and analyze the role of Islam’s educational teachings in preventing a tendency toward addiction. Using an analytical-citational

Cite this article: Zare Dehabadi, Reyhaneh, Ghobadian, Ali, Motevallizadeh Naeini, Nafiseh V. (2025). An Analysis of the Qur’anic and Hadith-Based Foundations of Addiction Prevention. *Contemporary Islamic Law Debate*, 3(6), p. 277-310.
<https://doi.org/10.22034/cild.2026.24081.1243>

Received: 2025/08/16

Revised: 2025/09/20

Accepted: 2025/10/23

Available online: 2026/03/20

Type of article: Research Article

Publisher: Al-Mustafa International Community

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

©2025/authors retain the copyright and full publishing rights



method based on library sources, the research examines the relevant Qur'anic verses and hadiths collectively. The findings show that many social harms, including addiction, have their roots in childhood and adolescence—a period that, owing to its physical and psychological characteristics, provides greater grounds for a tendency toward high-risk behaviors. Examination of religious texts likewise indicates that Islam, through the preventive educational solutions it offers, possesses considerable capacity to reduce the tendency toward drug use. Accordingly, identifying the causes of the tendency toward drug use and drawing on religious teachings in designing preventive strategies constitute a fundamental necessity in confronting the problem of addiction.

Keywords: Prevention; Islamic teachings; Qur'anic foundations; Foundational educational methods; Drug addiction.

واکاوی مبانی قرآنی و روایی پیشگیری از اعتیاد

ریحانه زارع ده آبادی^۱ علی قبادیان^۲ نفیسه متولی زاده نائینی^۳

۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان؛ یزد، ایران r.zaredehabadi@ardakan.ac.ir

۲. دکترای حقوق کیفری و جرم شناسی؛ رئیس پژوهشکده مطالعات اسلامی حقوق و قضا پژوهشگاه قوه قضائیه، تهران، ایران؛

(نویسنده مسئول) a.ghobadian@jri.ac.ir

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه میبد، یزد، ایران motavallizade@meybod.ac.ir

چکیده

اعتیاد به مواد مخدر افزون بر آسیب‌های جسمی و روانی، پیامدهای گسترده اجتماعی و اقتصادی همچون افزایش جرایم مرتبط، فقر، تكدی‌گری، اتلاف سرمایه‌های مادی و تضعیف ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اخلاقی را در پی دارد. بنابراین پیشگیری از اعتیاد به مثابه یکی از ضرورت‌های مهم اجتماعی، مستلزم شناسایی و کاهش زمینه‌ها و عوامل خطر است. در این میان، آموزه‌ها و باورهای مذهبی و معنوی با ایجاد امید، معنا و توان مقابله با دشواری‌های زندگی، می‌توانند در کاهش فشارهای روانی و ارتقای کیفیت زندگی به‌ویژه در افراد در معرض اعتیاد، نقش مؤثری ایفا کنند. هدف این پژوهش، تبیین و واکاوی نقش

استناد به این مقاله: زارع ده آبادی، ریحانه، قبادیان، علی، متولی زاده نائینی، نفیسه (۱۴۰۴). واکاوی مبانی قرآنی و روایی پیشگیری از اعتیاد. گفتمان حقوق اسلامی معاصر، ۳(۶)، ص ۳۱۰-۲۷۷.

<https://doi.org/10.22034/cild.2026.24081.1243>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۵/۲۵؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۶/۲۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۰۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۱۲/۲۹

<http://meh.journals.miu.ac.ir/>

نوع مقاله: پژوهشی ناشر: جامعه المصطفی س العالمیه

۱۴۰۴ © / نویسندگان دارنده حق مؤلف مقاله خود بدون محدودیت هستند



آموزه‌های تربیتی اسلام در پیشگیری از گرایش به اعتیاد است. این تحقیق با روش تحلیلی - استنادی و بر پایه منابع کتابخانه‌ای، آیات و روایات مرتبط را بررسی کرده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بسیاری از آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، ریشه در دوره کودکی و نوجوانی دارند؛ دوره‌ای که به دلیل ویژگی‌های جسمی و روانی، زمینه بیشتری برای گرایش به رفتارهای پرخطر فراهم است. همچنین بررسی متون دینی نشان می‌دهد که اسلام با ارائه راهکارهای تربیتی پیشگیرانه، ظرفیت قابل توجهی برای کاهش گرایش به مصرف مواد مخدر دارد. بنابراین شناسایی علل گرایش به مصرف و بهره‌گیری از آموزه‌های دینی در طراحی راهبردهای پیشگیرانه، ضرورتی اساسی در مواجهه با معضل اعتیاد به شمار می‌آید.

کلیدواژه‌ها: پیشگیری، آموزه‌های اسلام، مبانی قرآنی، روش‌های زمینه‌ساز تربیتی، اعتیاد به مواد مخدر.

مقدمه

مصرف مواد مخدر از ویران‌کننده‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود که تهدیدی جدی برای سلامت و پایداری جامعه محسوب می‌شود. این پدیده ابتدا بنیان خانواده را متزلزل می‌کند و به تدریج ساحات مختلف نظام اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ به گونه‌ای که به مانعی اساسی در مسیر توسعه پایدار کشور بدل می‌شود. مؤثرترین شیوه مقابله با این معضل، «پیشگیری از مصرف مواد مخدر» است؛ راهبردی که تحقق آن مستلزم شناسایی دقیق زمینه‌ها و عوامل گرایش افراد به مصرف مواد و سپس برنامه‌ریزی برای مهار و رفع آنهاست. در شرایط کنونی، پیشگیری و مقابله با اعتیاد به مثابه مسئله‌ای اجتماعی، به بحرانی جهانی تبدیل شده است و به دلیل پیچیدگی‌ها و ابعاد چندگانه، نیازمند دانش تخصصی، نگرش نظام‌مند و اتخاذ سیاست‌های علمی و مؤثر است. در این میان، دین و باورهای دینی در جایگاه راهنمای انسان در مسیر رشد و کمال، نقشی محوری در پیشگیری از آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی ایفا می‌کنند. یافته‌های پژوهشی نیز نشان می‌دهد که اعتقادات دینی می‌تواند با تقویت خودباوری، خودمهارگری و عزت نفس، احتمال گرایش به مصرف مواد مخدر را به طرز معناداری کاهش دهد.

مطالعه آیات و روایات مرتبط نشان می‌دهد که زمینه بسیاری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، ریشه در مسائل تربیتی سال‌های آغازین زندگی دارد. در حوزه تربیت اسلامی، رویکردهای متعددی مشاهده می‌شود؛ برخی اندیشه‌های تربیتی اسلام را با نظریه‌های جدید تعلیم و تربیت تطبیق داده‌اند و برای آنها شواهد دینی ارائه کرده‌اند؛ گروهی دیگر تنها به گزاره‌های دینی اشاره کرده‌اند و تحلیل عمیق آنها را کمتر مورد توجه قرار داده‌اند؛ برخی دیگر نیز مباحث تربیتی را عامیانه و غیرتخصصی مطرح کرده‌اند. این پژوهش در پی آن است که رویکردی متمایز ارائه دهد؛ به این معنا که ابتدا گزاره‌های مرتبط با موضوع از متون دینی استخراج می‌شود و سپس با نگاهی تحلیلی و فراتر از مدلول مطابقی، برداشت‌ها و دلالت‌های متعدد آنها بررسی می‌گردد. بخش عمده‌ای از تحقیقات موجود به

برداشت‌های محدود از آیات و روایات بسنده کرده‌اند و ظرفیت‌های گسترده این متون را در تبیین نقش تربیت اسلامی در پیشگیری از اعتیاد نادیده گرفته‌اند؛ از این رو در این تحقیق تلاش شده است بیشترین امکان برداشت از آموزه‌های دینی فراهم آید و نسبت میان پیام‌ها و دلالت‌های این گزاره‌ها با نقش تربیت اسلامی در پیشگیری از گرایش به مواد مخدر تبیین شود. اهمیت این موضوع، افزون بر خلأ پژوهشی موجود، با توجه به افزایش روزافزون گرایش نوجوانان و جوانان به مواد مخدر، ضرورت برنامه‌ریزی تربیتی از دوران طفولیت را بیش از پیش آشکار می‌کند. بی‌تردید بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی می‌تواند در سامان‌دهی و هدایت صحیح برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های تربیتی نقشی تعیین‌کننده ایفا کند.

در این نگارش با استفاده از روش استنادی و تحلیلی و با مراجعه به منابع کتابخانه‌ای، افزون بر ذکر آیات و روایات ناظر به مسائل و مباحث تربیتی کودکان و نوجوانان که جنبه پیشگیرانه داشته‌اند، تحلیلی فراتر از دلالت تطابقی و در یک نگاه مجموعی بررسی شده است که به‌کارگیری آنها می‌تواند موجب پیشگیری از گرایش به آسیب اجتماعی بسان اعتیاد به مواد مخدر گردد. پرسشی که این پژوهش در صدد یافتن پاسخی متقن و مستدل به آن است اینکه پیشگیری از اعتیاد از چه مبانی و پشتوانه‌های دینی برخوردار است و چگونه تبیین‌شدنی هستند؟ پژوهش‌هایی درباره اعتیاد انجام گرفته‌اند؛ ولی استخراج و تبیین مبانی قرآنی و روایی پیشگیری از آن، نیازمند بررسی نظام‌مند است.

۱. مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر همانند سایر تحقیقات علمی از مجموعه‌ای از واژه‌ها و اصطلاحات تخصصی استفاده می‌شود، ضروری است در آغاز مفاهیم کلیدی به‌دقت تبیین گردد تا مراد از هر یک از آنها در چارچوب این نوشتار روشن شود. تبیین مفهومی اصطلاحات افزون بر ایجاد شفافیت در بحث، از بروز ابهام در برداشت‌ها نیز جلوگیری می‌کند؛ از این رو در این بخش برخی از مفاهیم اساسی به اختصار بررسی می‌شوند.

۱-۱. پیشگیری

«پیشگیری» در معنای لغوی هم به مفهوم جلوگیری و مانع شدن آمده است (معین، ۱۳۶۰ه.ش، ذیل حرف پ) و هم در معنای آگاه کردن و هشدار دادن به کار رفته است (گسن، ۱۳۷۰ه.ش، ص ۱۳۳). در معنای اصطلاحی نیز این مفهوم در دو چارچوب محدود و گسترده تعریف می شود.

در معنای مضیق، پیشگیری به مجموعه تدابیر و اقداماتی گفته می شود که با هدف کنترل و مهار آسیب ها و انحرافات اجتماعی اعمال می شوند. این شیوه عموماً از یک سو با حذف یا کاهش عوامل زمینه ساز آسیب های اجتماعی و از سوی دیگر با اداره و سامان دهی مناسب شرایط و مقتضیات محیط اجتماعی که زمینه بروز چنین آسیب هایی را ایجاد می کند، تحقق می یابد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۲ه.ش، ص ۲۲). در مقابل در معنای موسع، پیشگیری هرگونه اقدام یا سیاستی را دربر می گیرد که در رویارویی با آسیب های اجتماعی و کاهش دامنه آنها مؤثر باشد. بر این اساس، پیشگیری در این معنا دامنه ای گسترده تر دارد و افزون بر اقدامات اجتماعی و فرهنگی، تدابیر کیفی و غیرکیفری را نیز دربر می گیرد (معظمی، ۱۳۸۶ه.ش، ص ۹۶).

مقصود از پیشگیری در این پژوهش، معنای مضیق آن است؛ بدین معنا که مجموعه اقداماتی مورد نظر است که با هدف کاهش زمینه های گرایش به آسیب های اجتماعی به ویژه مصرف مواد مخدر، طراحی و اجرا می شود.

۲-۱. تربیت

واژه «تربیت» از ماده «رب ب» و «ربو» و مصدر باب تفعیل است. این واژه از ریشه «ربو» به معنای رشد، افزایش و نمو جسمانی و مادی به کار رفته است (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ه.ج ۱، ص ۲۱۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ه.ج ۱، ص ۴۰۱). همچنین از ریشه «رب ب» در معانی ای همچون سرپرستی، حضانت و تدبیر امور آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ه.ج ۸، ص ۲۵۷؛

ابن منظور، ۱۴۱۴هـ، ج ۱، ص ۴۰) و در کاربردی دیگر، به مفهوم پرورش دادن و رساندن تدریجی فرد به مرحله کمال دلالت دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲هـ، ص ۳۷۷).

در مجموع، مفهوم «تغییر و تحول تدریجی» را می‌توان عنصر مشترک و بنیادین در هر دو معنای لغوی این واژه دانست. تربیت در کاربرد اصطلاحی، ناظر به فرایندی است که طی آن زمینه لازم برای ایجاد دگرگونی تدریجی در یکی از ابعاد جسمی، ذهنی، روحی یا رفتاری متربی فراهم می‌شود؛ فرایندی که با هدایت و دخالت عامل انسانی دیگر صورت می‌گیرد و هدف آن دست‌یابی فرد به کمال انسانی، شکوفایی استعدادها یا اصلاح و بازدارندگی از صفات و رفتارهای نادرست است (اعرافی، ۱۳۹۳هـ.ش، ج ۱، ص ۱۲۰).

۲. سبب‌شناسی

برای ورود به بحث آموزه‌های تربیتی اسلام که دارای کارکرد پیشگیرانه هستند، نخست لازم است عوامل زمینه‌ساز گرایش افراد به آسیب‌های اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر شناسایی شوند. پس از شناخت این عوامل، می‌توان با تطبیق آموزه‌های تربیتی اسلامی با آنها، کارآمدی این تعالیم را در پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی به گونه‌ی تحلیلی بررسی کرد.

۲-۱. ویژگی‌های دوران جوانی

پژوهش‌های گسترده‌ای از سوی روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و متخصصان تعلیم و تربیت در زمینه ویژگی‌های دوران جوانی انجام شده است؛ ویژگی‌هایی که موجب حساسیت این دوره و افزایش احتمال گرایش جوان به انحرافات می‌شود. بدیهی است اگر یافته‌های این پژوهش‌ها با آموزه‌های دینی ناسازگار نباشند، می‌توان از آنها در برنامه‌ریزی تربیتی بهره گرفت. در متون اسلامی نیز نکات ارزشمندی درباره ویژگی‌های انسان در

مراحل مختلف رشد بیان شده است که توجه به آنها می‌تواند مسیر آشکارتر و دقیق‌تری برای طراحی راهبردهای تربیتی در این دوره پیش روی مربیان قرار دهد. در این بخش به مهم‌ترین ویژگی‌های دوران جوانی در منابع اسلامی اشاره می‌شود.

۱-۱-۲. تنش‌های روانی شدید

یکی از ویژگی‌های برجسته دوران جوانی، وجود تنش‌های شدید روانی است که در برخی روایات با تعبیراتی همچون «جنون» و «شکر» بیان شده است. پیامبر اکرم (ص) در حدیثی جوانی را نوعی دیوانگی دانسته‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۲۱، ص ۲۱۱). «جنون» از ریشه «جنّ» به معنای پوشیدگی است و ناظر به اختلال در قدرت تعقل و تصمیم‌گیری است. مستی و هیجان‌های دوران جوانی موجب ضعیف شدن دوراندیشی و توان تفکر منطقی می‌شود و فرد به سمت کج‌روی و آسیب‌هایی مانند مصرف مواد مخدر سوق پیدا می‌کند (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴ هـ.ش، ص ۳۲). حضرت علی (ع) نیز مستی جوانی را عاملی می‌دانند که عقل، اراده و آرامش انسان را از بین می‌برد (آمدی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۴۴۵). این تعبیرها همگی نشان‌دهنده نوعی آشفتگی روانی و ناپایداری هیجانی در این دوره است. این ویژگی از نظر روان‌شناسان نیز تأیید شده است؛ چنان‌که استانلی هال، جوانی را «دوران طوفان و فشار»، پیاژه آن را «مرحله آشوب درونی و انقلاب شخصی» و لوین این دوره را «مرحله بی‌سرمامانی» توصیف کرده‌اند.

با وجود طبیعی بودن بخشی از این رفتارها، کنترل و هدایت آن امری ضروری است. در سال‌های آغازین نوجوانی ممکن است رفتارهایی بروز یابد که رنگی از بی‌خردی دارد؛ به همین دلیل گاه «رفتارهای کودکانه» نامیده می‌شود. پیامبر اکرم (ص) نیز می‌فرماید: «خداوند از جوانی که رفتارهای نسنجیده ندارد، در شگفت می‌ماند» (هیثمی، ۱۴۰۸ هـ، ج ۱۰، ص ۲۷۰) که نشان‌دهنده طبیعی بودن بخشی از این بی‌ثباتی‌هاست.

از سوی دیگر، وجود تنش‌های روانی شدید سبب می‌شود جوان ثبات فکری لازم را نداشته باشد و در برابر جذابیت‌های ظاهری و تبلیغات گمراه‌کننده، از جمله تبلیغ مصرف مواد مخدر، آسیب‌پذیر شود؛ از این رو متولیان فرهنگی جامعه اسلامی باید با رعایت ظرافت‌های تبلیغی و استفاده از زبان و شیوه‌های متناسب با جوانان، آنان را هدایت و حمایت کنند.

۲-۱-۲. علم و دانش اندک

انسان در دوره جوانی در برابر دوران کودکی از آگاهی بیشتری برخوردار است؛ اما در آغاز جوانی، میزان دانش و تجربه او همچنان اندک است. در روایات نیز کم‌دانشی جوانان امری طبیعی و پذیرفته‌شده است. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «جهلُ الشاب معذورٌ و علمُهُ محقورٌ: ناآگاهی جوان پذیرفتنی و دانش او ناچیز است» (آمدی، [بی‌تا]، ج ۱، ص ۳۷۲).

پذیرش آسان تأثیر گروه‌های منحرف، گواهی بر دانش و بینش محدود جوان است (کلینی، ۱۴۱۳ هـ، ج ۶، ص ۴۷). امام سجاد (ع) در نامه‌ای خطاب به محمد بن مسلم زهری، کمی دانش را یکی از عوامل مهم انحراف جوانان برمی‌شمارد و می‌فرماید اگر افراد بزرگ سال و عالم به سادگی فریب دنیا را می‌خورند، چگونه جوانی با دانش اندک و بینش محدود می‌تواند از آسیب‌ها مصون بماند؟ (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۷۵، ص ۱۳۴).

۲-۱-۳. حساسیت و زودرنجی

یکی دیگر از ویژگی‌های طبیعی دوران جوانی، حساسیت عاطفی و زودرنجی است. جوان در این دوره تحمل کمی در برابر مخالفت یا سرزنش دارد و واکنش‌های تند نشان می‌دهد؛ از این رو لازم است در برخورد با او نهایت دقت و ملاحظت رعایت شود. روایات نیز بر این ویژگی تأکید دارند؛ از جمله امام علی (ع) می‌فرماید: «اگر نوجوانی را توبیخ کردی، راهی برای توجیه او باز بگذار تا به لجاجت و دشمنی نیفتد» (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۸۷ هـ، ج ۲۰، ص ۳۳۳).

خشونت و تندی در برخورد با جوان نه تنها مؤثر نیست، بلکه می تواند او را به سمت واکنش های مخرب و رفتارهای آسیب زا سوق دهد. متون دینی به روشنی نشان می دهند که بخش قابل توجهی از ناهنجاری ها و آسیب هایی مانند مصرف مواد مخدر، ریشه در آشفتگی عاطفی جوان و نبود تدابیر صحیح تربیتی از سوی والدین و مربیان دارد.

۲-۲. جدایی کودک از والدین

بر اساس نظریه «دلبستگی» جان بالبی، فاصله گرفتن یا جدایی کودک در حال رشد از والدین به ویژه در سال های اولیه زندگی، می تواند یکی از عوامل بروز کج روی یا بزهکاری در دوره نوجوانی باشد. از دیدگاه وی، چنین شرایطی موجب شکل گیری «دلبستگی ناایمن» در کودک می شود؛ به گونه ای که کودک به این باور می رسد که نمی تواند به دیگران اعتماد کرده یا به آنان تکیه کند؛ در نتیجه برای دست یابی به احساس رضایت و آرامش، ممکن است به رفتارهای انحرافی روی آورد. در حقیقت می توان این گونه رفتارها را جایگزینی برای آن احساس رضایتی دانست که انسان در حالت طبیعی، با مورد توجه واقع شدن و محبت دیدن در کانون خانواده و ارتباط با مادر به آن دست می یابد (مساواتی آذر، ۱۳۷۴ ه.ش، ص ۸۹ - ۹۰).

بر اثر جدایی و گسست رابطه دلبستگی میان مادر و کودک، پدیده ای به نام «اضطراب جدایی» شکل می گیرد که نوعی اختلال روان شناختی محسوب می شود. مقصود از این اصطلاح حالتی است که فرد در نتیجه جدا شدن از کسانی که با آنان پیوند عاطفی عمیقی دارد، دچار اضطراب شدید می شود؛ اضطرابی که با مراحل طبیعی رشد متناسب نیست. در حالی که اضطراب جدایی در مراحل ابتدایی رشد کودک پدیده ای طبیعی و سالم تلقی می شود، زمانی که از محدوده طبیعی فراتر رود به «اختلال اضطراب جدایی» تبدیل می گردد. برای تمایز میان اضطراب جدایی طبیعی و اختلال اضطراب جدایی می توان گفت اگر کودک در دو سال نخست زندگی برای مدت طولانی از والدین به ویژه مادر جدا باشد و فاصله زمانی قابل توجهی میان او و مادر ایجاد شود، این تجربه در ذهن او تثبیت می شود

و آثار آن در سال‌های بعدی زندگی نیز آشکار می‌گردد. نخستین تجربه‌های کودک در ماه‌های آغازین زندگی از طریق ارتباط با مادر شکل می‌گیرد و همین تجربه‌ها زمینه رشد و شکل‌گیری سایر توانایی‌های او را فراهم می‌آورد. اگر تصویر مادرانه در ذهن کودک بر اثر جدایی مختل شود، مسیر رشد طبیعی او نیز با مشکل مواجه می‌شود؛ زیرا اضطراب ناشی از قطع ارتباط، امکان شکل‌گیری الگوهای رفتاری و توانایی‌های بعدی را از او سلب می‌کند. اضطراب جدایی که تا حدود دو تا سه سالگی در کودکان مشاهده می‌شود، می‌تواند موجب احساس درماندگی و استیصال در کودک شود و او را به این تصور برساند که والدینش او را نمی‌خواهند (پورحسین، ۱۳۷۴ ه.ش، ص ۹۸).

بر اساس این دیدگاه می‌توان گفت یکی از عوامل روانی مؤثر در گرایش فرزندان به مصرف مواد مخدر، جدایی از والدین است؛ زیرا چنین جدایی‌ای احساس ناامنی و بی‌پناهی را در فرد تقویت می‌کند و ممکن است او برای دست‌یابی به آرامش و رضایت روانی به مصرف مواد مخدر روی آورد.

۲-۳. احساس شرم و فقدان حرمت نفس

احساس شرم نوعی تجربه دردناک روانی است که در نتیجه نوعی خودارزیابی کلی و منفی در فرد شکل می‌گیرد. در چنین حالتی فرد خود را انسانی ناپسند و فاقد ارزش تلقی می‌کند. این احساس معمولاً ناشی از تصور از دست دادن احترام نزد دیگران یا احساس عدم شایستگی است؛ در نتیجه آن، فرد دچار احساس بیهودگی و بی‌ارزشی می‌شود.

ریشه این احساس غالباً به دوران کودکی و نوع رابطه اولیه کودک با والدین بازمی‌گردد. والدینی که به صورت کلامی یا غیرکلامی به فرزند خود القای کنند که دوست داشتنی نیست، زمینه شکل‌گیری این احساس را در او فراهم می‌آورند. افزون بر این، تجربه‌های دردناک دیگری در دوران کودکی نیز می‌تواند در ایجاد احساس شرم نقش داشته باشد؛ از جمله

تحقیر کودک در محیط خانواده، تنبیه بدنی، اعتیاد والدین یا طلاق آنان (حسین‌آبادی، ۱۳۹۰ ه.ش، ص ۵۳).

اگر کودک در سال‌های نخست زندگی، محبت و عشق والدین را به درستی تجربه نکند، باورهای منفی متعددی در ذهن او شکل می‌گیرد؛ باورهایی از قبیل اینکه «من دوست داشتنی نیستم»، «من خوب نیستم»، «من شایسته نیستم»، «هیچ‌کس به من علاقه ندارد» یا «من ارزشمند نیستم». چنین باورهایی زمینه بروز مشکلاتی مانند اضطراب، استرس، کاهش اعتماد به نفس و افسردگی را فراهم می‌کند. در این شرایط ممکن است فرد برای رهایی موقت از فشارهای روانی و دستیابی به احساس آرامش، به مصرف مواد مخدر روی آورد. با گذشت زمان، وابستگی به این مواد افزایش می‌یابد و حتی ممکن است مصرف مواد قبلی دیگر نتواند همان میزان آرامش را ایجاد کند؛ در نتیجه فرد به مصرف مواد قوی‌تر یا با دوز بالاتر گرایش پیدا می‌کند.

۴-۲. کودک‌آزاری

یافته‌های روان‌شناختی نشان می‌دهد کودکانی که قربانی کودک‌آزاری می‌شوند، در معرض تبدیل شدن به افرادی ضداجتماعی قرار دارند. رنج ناشی از کودک‌آزاری و آثار آن بر ذهن و روان کودک بسیار عمیق و ماندگار است. کودک زیر سه سال نیز به خوبی احساسات و رفتارهایی که از سوی والدین بر او تحمیل می‌شود را درک می‌کند؛ به گونه‌ای که حتی آثار روانی و عاطفی یک نگاه تند یا رفتار خشن والدین نیز در روح و روان او مشاهده شدنی است.

کودکانی که در معرض آزار شدید قرار می‌گیرند، اگر مشکلات روانی آنان درمان نشود، ممکن است در آینده به افرادی ضداجتماعی تبدیل شوند و روحیه انتقام‌جویی در آنان شکل گیرد. چنین افرادی در صورت قرارگرفتن در کنار کسانی با گرایش‌های مشابه، ممکن است به سمت انحرافات اجتماعی و بزهکاری سوق پیدا کنند.

به طور کلی، کمبود محبت و توجه عاطفی در دوران کودکی می‌تواند زمینه‌ساز بروز ناهنجاری‌های روانی و رفتاری در بزرگسالی شود. هنگامی که فرد در کودکی از نظر عاطفی دچار محرومیت شود، این کمبود ممکن است در سال‌های بعدی زندگی به شکل اختلالات روانی و گرایش به آسیب‌های اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر بروز یابد. از منظر روان‌شناسی نیز بسیاری از عقده‌ها و مشکلات روانی، ریشه در کمبود محبت در دوران کودکی دارند که از سوی والدین بر او تحمیل می‌شود.

۳. روش‌های زمینه‌ساز

به منظور پیشگیری از رفتارهای نادرست و گرایش افراد به اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی، بایستی بستری فراهم گردد تا در آن بستر شرایط و موقعیت‌های لازم برای زمینه‌سازی تربیت مهیا شود. در ادامه به روش‌های زمینه‌ساز به منظور پیشگیری از گرایش فرد به مصرف مواد مخدر پرداخته می‌شود.

۳-۱. افزایش حرمت نفس

حرمت اذلال نفس را می‌توان از یک سو به مثابه یک قاعده فقهی در حوزه فقه فردی و حکومتی، از سوی دیگر به عنوان اصلی تربیتی با کارکرد پیشگیرانه در دو ساحت فردی و اجتماعی بررسی کرد. یکی از رسالت‌های اساسی تعلیم و تربیت اسلامی آن است که با هدف شکوفایی استعدادهای انسان در مسیر مطلوب از شکل‌گیری افکار، نگرش‌ها و رفتارهای ناسازگار با فطرت و طبیعت آدمی جلوگیری شود. بر این اساس، می‌توان گفت جهت‌گیری غالب در تربیت اسلامی باید ناظر به بازدارندگی، نفی و اجتناب از اقداماتی باشد که انسان را از مسیر فطری و متعادل خویش خارج می‌کند. در این میان، برخی احکام و قواعد فقهی می‌توانند در هدایت نظام تعلیم و تربیت نقشی راهگشا ایفا کنند؛ از جمله

این قواعد، حرمت اذلال نفس است که مضمون برخی آیات و روایات بر آن دلالت دارد. ذلت در لغت به معنای ضعف، خواری و فرومایگی آمده است (مصطفوی، ۱۳۶۸ ه. ش، ج ۳، ص ۳۲۴؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ه. ق، ج ۱۱، ص ۲۵۶) و در برابر آن، عزت و شرافت قرار دارد. اذلال نفس، حالتی روانی و روحی است که در ساحت‌های فردی و اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز بسیاری از رذایل اخلاقی، رفتارهای ناپسند و گرایش به آسیب‌های اجتماعی، از جمله مصرف مواد مخدر، باشد. بر این اساس، هر عملی که به تحقیر و خوار شدن نفس انسان بینجامد، حرام شمرده می‌شود. انسان با اینکه در بستر جامعه و در تعامل با دیگران زندگی می‌کند، مجاز نیست برای تأمین نیازهای خود، عزت خویش را مخدوش گرداند و با شکستن حرمت نفس، خود را در معرض خواری قرار دهد؛ زیرا از میان رفتن عزت نفس، پیامدهای زیان‌بار فراوانی در پی دارد. بر همین اساس، در فرهنگ دینی هیچ مؤمنی حق ندارد خود را خوار و حقیر کند؛ حتی اگر تأمین دنیای او از این طریق ممکن باشد. در همین زمینه امام صادق (ع) می‌فرمایند: «سزاوار نیست که مؤمن خود را ذلیل کند» (کلینی، ۱۴۱۳ ه. ق، ج ۵، ص ۶۴).

در آموزه‌های اسلامی، ذلت‌پذیری از منفورترین مفاهیم در مکتب تربیتی اسلام به شمار می‌آید. برخی روایات نیز به صراحت بر پیامدهای احساس ذلت و نیز آثار عزت نفس دلالت دارند. امام هادی (ع) می‌فرماید: «هر کسی خودش در نظرش بی‌مقدار باشد، از شر او ایمن مباش» (حرانی، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۲، ص ۳۶۱). مفاد این روایت آن است که اگر فرد احساس بزرگواری و ارزشمندی خویش را از دست بدهد و خود را حقیر بیندارد، احتمال بروز رفتارهای ناهنجار و آسیب‌زا از سوی او افزایش می‌یابد. همچنین امیرالمؤمنین علی (ع) فرموده‌اند: «هر کسی برای خود ارزش قائل باشد، شهوت در نظر او خوار می‌شود» (شریف رضی، ۱۴۱۱ ه. ق، ص ۴۹۹). این روایت نیز نشان می‌دهد که خودارزشمندی و حفظ کرامت نفس، زمینه‌ساز مهار خواهش‌های نفسانی و انحرافات رفتاری را فراهم می‌آورد.

چنان‌که در مباحث پیشین نیز اشاره شد، احساس شرم و فقدان حرمت نفس دارای آثار و پیامدهایی است و می‌تواند فرد را به سوی جرایم و آسیب‌های اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر سوق دهد. این احساس غالباً ریشه در دوره خردسالی و چگونگی تربیت کودک دارد. در مقابل، آیات و روایات متعددی بر ارزشمندی و کرامت ذاتی نفس انسان دلالت دارند. صریح‌ترین آیه قرآن کریم در بیان کرامت ذاتی انسان، آیه ۷۰ سوره «اسراء» است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» و همانا فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا حمل کردیم و از روزی‌های پاکیزه بهره‌مند ساختیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان خود برتری دادیم». این آیه شریفه در مقام بیان کرامت انسانی برای عموم بشر است و ناظر به کرامت اختصاصی گروهی خاص نیست؛ ازاین‌رو چون انسان فی‌نفسه از کرامت برخوردار است، حق دارد این کرامت حفظ شود و مورد خدشه و تجاوز دیگران قرار نگیرد (حقیقت‌پور، ۱۳۹۲ ه. ش، ص ۲۷).

با این ملاحظه، اهمیت حفظ عزت نفس و جلوگیری از اذلال آن آشکارتر می‌شود؛ زیرا احساس حقارت و شرم می‌تواند منشأ بسیاری از صفات ناپسند و زمینه‌ساز گرایش فرد به جرایم و آسیب‌های اجتماعی باشد. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرمایند: «خداوند اختیار همه کارها را به مؤمن داده است؛ اما این اختیار را به او نداده است که ذلیل باشد. مگر نشنیده‌ای که خداوند متعال می‌فرماید: عزت از آن خداست؛ پس مؤمن عزیز است و ذلیل نیست» (طوسی، ۱۴۰۷ ه. ج ۶، ص ۱۷۹). این روایت بر آن دلالت دارد که مؤمن نباید اسباب خواری خویش را فراهم آورد، بلکه موظف است در حفظ عزت خود بکوشد. در همین راستا، امام سجاد (ع) نیز فرمودند: «از امام سؤال شد از همه مردم مهم‌تر و باشخصیت‌تر کیست؟ فرمود: آن‌که تمام دنیا را با نفس خود برابر نمی‌بیند» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه. ج ۷۵، ص ۱۳۵). همچنین در روایت دیگری آمده است: «هرکه کرامت و بزرگواری نفس داشته باشد، دنیا را پست می‌شمارد» (حرانی، ۱۴۰۴ ه. ج ۲، ص ۲۷۸). این روایات

همگی نشان می‌دهند که کرامت نفس در منطق تربیتی اسلام، بنیانی برای سلامت اخلاقی و رفتاری انسان به شمار می‌آید.

بنابراین لازم است زمینه‌های شکل‌گیری احساس شرم، حقارت و فقدان حرمت نفس از دوران کودکی شناسایی و برطرف شود. یکی از این زمینه‌ها، جدایی کودک از مادر است. همان‌گونه که پیش‌تر بیان شد، ریشه اضطراب اجتماعی را می‌توان در انفصال فرزند از مادر در دوره کودکی جستجو کرد. بر همین اساس، برای پیشگیری از اضطراب اجتماعی و احساس شرم و بی‌ارزشی، خداوند در سوره «احقاف» می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفَصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا: و انسان را نسبت به پدر و مادرش به نیکی سفارش کردیم. مادرش با رنج او را باردار شد و با رنج او را به دنیا آورد، و دوران بارداری و از شیر گرفتن او سی ماه است» (احقاف ۴۶: ۱۵). همچنین خداوند در آیه ۱۴ سوره «لقمان» می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفَصَالُهُ فِي عَامَيْنِ...: و ما انسان را درباره پدر و مادرش سفارش کردیم. مادرش او را با رنجی روزافزون حمل کرد و از شیر گرفتن او در دو سال است». مقصود از «فصال» در این آیات، جدا کردن کودک از شیر و پایان دادن به دوران شیرخوارگی اوست. تعبیر «دو سال» برای «فصال» بدان دلیل است که حداکثر و کامل‌ترین مدت شیردهی دو سال دانسته شده است و این امر جز با سپری شدن این مدت تحقق نمی‌یابد (طباطبائی، ۱۳۷۴ ه.ش، ج ۱۸، ص ۳۰۷).

از سوی دیگر در آیه ۲۳۳ سوره «بقره» آمده است: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ...: و مادران، فرزندان خود را دو سال کامل شیر می‌دهند؛ این حکم برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را کامل کند». این آیات با تأکید بر پیوند اولیه مادر و کودک و استمرار آن در دوران شیرخوارگی، می‌توانند از منظر تربیتی در پیشگیری از شکل‌گیری احساس ناامنی، شرم و ضعف حرمت نفس مورد استناد قرار گیرند. عبارت «لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ...» دلالت بر این دارد که شیر دادن حق مادر است و موکول به اختیار اوست و همچنین رساندن مدت دو سال را به آخر، حق اوست و پدران و مادران را از

عدم شیردهی به نوزاد در این دوران به صراحت نهی می‌کند. خداوند در این آیه شریفه حق اولیه و مسلم شیردادن را به مادر کودکی که او را به دنیا آورده است سپرده و آن را با عبارت «يُزْضِعَنَّ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» امری لازم و واجب شمرده است و از دیدگاه شیخ طبرسی شیردادن مادر به فرزند با توجه به این عبارت امری واجب یا حداقل مستحب است؛ چراکه جمله خبری در مقام انشا، دلالت بر وجوب دارد. به‌کاربردن واژه «کامل» در مورد دو سال نشان می‌دهد که مدت شیردهی باید دو سال تمام، یعنی ۲۴ ماه باشد. آیه شریفه دربردارنده این نکته اخلاقی است که کودک باید دو سال کامل شیر داده شود و کمترین مقدار آن با توجه به وضعیت کودک و مادر تعیین می‌شود.

در مورد مدت شیرخوردن کودکان بحث‌ها و اختلاف نظرهایی بدین شرح وجود دارد:

۱. عده‌ای مانند ابن عباس معتقدند نوزادانی که شش ماهه متولد می‌شوند، باید دو سال تمام شیر داده شوند؛ آنها که هفت ماهه دیده به جهان می‌گشایند، ۲۳ ماه؛ و کودکانی که نه ماهه ولادت می‌یابند، ۲۱ ماه باید شیر بخورند.

۲. شیعیان نیز دیدگاهی شبیه دیدگاه نخست دارند و شیردادن به کمتر از ۲۱ ماه را ستمی به کودک می‌دانند.

۳. گروهی نیز معتقدند اگر میان پدر و مادر کشمکش روی داد، باید مدت شیرخوارگی کودک دو سال کامل شود (طبرسی، ۱۳۷۲ ه.ش، ج ۲، ص ۱۷۱).

از مجموع این نظریات می‌توان نتیجه گرفت که همه فقیهان کمترین مدت شیرخوارگی را ۲۱ ماه و ۲۴ ماه را کامل‌ترین مدت می‌دانند.

با توجه به آیات پیش‌گفته و اختلاف نظرهای موجود در مورد مدت شیرخوارگی، می‌توان بدین نتیجه رسید که عبارت «و فصالة ثلاثون شهرا» بر اساس آیه ۱۵ سوره «احقاف»، مدت شیردهی کودک دو سال و حداقل دوره بارداری شش ماه در نظر گرفته شده است که برابند آن، سی ماه کامل قمری خواهد بود. بنابراین حداقل مدت شیردهی نباید کمتر از ۲۱ ماه قمری باشد. به تعبیری دیگر، از آنجاکه غالباً دوران حمل نه ماه است، اگر مقدار نه ماه

بارداری از این سی ماه کم شود، ۲۱ ماه قمری باقی می ماند. از طرفی نیز کودک تازه متولد شده در رحم مادر و ابتدای بدو تولد نیاز فیزیکی و عاطفی به مادر دارد؛ اما با توجه به افزایش هوشیاری در کودک نیازهای عاطفی کودک بعد از شش ماه افزایش می یابد. بنابراین با توجه به مشکلات بیان شده در مورد اضطراب جدایی می توان دریافت که با توجه به آیه ۱۵ سوره «احقاف»، علت عدم انفصال فرزند از مادر در سی ماه اول زندگی، جنبه پیشگیرانه دارد.

اشکال قابل طرح این است که طبق آیه ۱۵ سوره «احقاف»، مجموع مدت زمان بارداری و شیردهی، سی ماه است؛ اما با توجه به اینکه مدت زمان بارداری نه ماه است، به طور طبیعی ۲۱ ماه باید دوران شیردهی محسوب شود نه ۲۴ ماه. برای توجیه اختلاف میان دو آیه، می توان مطرح کرد که چنانچه دو سال شیردهی دارای حکم وجوبی باشد، اشکال وارد است که مجموع نه ماه بارداری و ۲۴ ماه شیردهی، ۳۳ ماه است نه ۳۰ ماهی که در قرآن بدان پرداخته شده است. درحالی که بر اساس آیه ۲۳۳ سوره «بقره» می توان گفت مدت زمان ۲۴ ماهگی برای شیردادن واجب نیست و آیه شریفه دلالت بر وجوب ندارد؛ زیرا در ادامه آیه آمده است: «آن مادرانی که بخواهند دوره شیردهی را به اتمام برسانند»؛ درواقع آیه شریفه، اتمام دوران شیردهی را به میل و اراده مادر تعلیق کرده است.

تأکید قرآن بر متضرر نکردن کودک شیرخوار، مستلزم محروم نکردن او از آغوش مادر است؛ زیرا شیر مادر افزون بر مراقبت های لازم باعث می شود ارتباط عاطفی و روانی عمیقی میان مادر و کودک برقرار شود و این ارتباط عاطفی در آینده موجب ثبات شخصیت فردی و اجتماعی کودک شود. پیامبر اکرم (ص) درباره اهمیت شیر مادر فرموده است: «هیچ غذایی برای کودک بهتر از شیر مادرش نیست» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۵، ص ۸۸)؛ همچنین ایشان معتقد بودند که کودک در اوایل دوران کودکی خود باید مورد توجه خانواده قرار گیرد. حضرت علی (ع) در این باره می فرماید: «فرزند با شیری بابرکت تر و بهتر از شیر مادر، شیر داده نمی شود» (کلینی، ۱۴۱۳هـ، ج ۶، ص ۴۰). ایشان در باب اهمیت شیردادن تا ۲۱ ماهگی نیز می فرمایند: «مدت شیردهی ۲۱ ماه است و هر آنچه کمتر از این مدت

باشد، پس نقصانی بر حق شیرخوار وارد شده و اگر خواستید شیردهی را به آخر برسانید، باید مدت دو سال کامل باشد» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۵، ص ۸۸).

به بیانی دیگر، بر اساس آیه ۱۵ سوره «احقاف»، مجموع دوره بارداری و شیردهی سی ماه دانسته شده است؛ مدتی که در آن حضور و همراهی مادر با فرزند ضرورتی اساسی دارد و نباید میان آن دو جدایی رخ دهد. همچنین با توجه به آیه شریفه «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ...» (بقره ۲: ۲۳۳) که بر کامل بودن دو سال شیردهی دلالت دارد، می‌توان دریافت که حداقل مدت بارداری شش ماه است؛ زیرا با افزودن این شش ماه به بیست و چهار ماه دوره رضاع، در مجموع همان سی ماهی به دست می‌آید که در آیه ۱۵ سوره «احقاف» بدان تصریح شده است. از سوی دیگر، روان‌شناسان جدایی کودک از مادر به ویژه تا حدود دو تا سه سالگی را از عوامل مؤثر در پیدایش احساس ناامنی، فقدان انس، اضطراب اجتماعی، احساس شرم و ضعف حرمت نفس در کودک می‌دانند (خوشایی و ابوحمزه، ۱۴۰۲هـ.ش، ص ۷۳)؛ عواملی که در سال‌های بعد می‌توانند زمینه‌ساز گرایش او به انواع آسیب‌های اجتماعی شوند. بنابراین می‌توان گفت برای پیشگیری از اضطراب اجتماعی، احساس شرم و در نتیجه کاهش زمینه‌های بروز جرایم و آسیب‌های اجتماعی از جمله مصرف مواد مخدر، شایسته است تا پایان سی ماهگی میان مادر و فرزند جدایی ایجاد نشود. به بیان دیگر، یکی از زمینه‌های مؤثر در گرایش فرد به جرایم و آسیب‌های اجتماعی از جمله اعتیاد، جدایی کودک از مادر است؛ بر همین اساس، تأکید آیه ۱۵ سوره «احقاف» بر عدم جدایی مادر و کودک در سی ماه نخست زندگی را می‌توان ناظر بر پیشگیری از پیدایش اضطراب اجتماعی و نیز از بین بردن زمینه‌های گرایش آتی کودک به انحرافات اجتماعی و رفتارهای آسیب‌زا دانست.

مرخصی زایمان از جمله سیاست‌گذاری‌های عمومی و اجتماعی به منظور عدم انفصال فرزند از مادر و پیشگیری از گرایش افراد به آسیب‌های اجتماعی در دوران بزرگ‌سالی است. افزایش مدت زمان مرخصی زایمان موافقان و مخالفانی دارد و در هر نظامی با توجه به

سیاست‌های حاکم، دیدگاه‌های مختلفی درباره‌ی این موضوع وجود دارد. نوزاد تنها کسی است که صدایش در این میان شنیده نمی‌شود و نیازمند حمایت‌های اجتماعی از دیگران است. سیاست‌مدار به منظور تضمین سلامت نسل‌های آینده جامعه مکلف است که هنگام طرح‌ریزی برنامه‌های مرتبط با مرخصی زایمان به گونه‌ای عمل کند که منتفع‌شدن نوزاد در مرکز اصلی سیاست قرار گیرد. در طول مرخصی زایمان، نوزاد با مادرانسی می‌گیرد و ارتباط عاطفی برقرار می‌کند. نوزادانی که چند ماه پس از تولد در مهد کودک نگهداری می‌شوند، به لحاظ عاطفی و شخصیتی با مشکلاتی روبرو می‌گردند؛ از این رو با افزایش مدت زمان مرخصی زایمان می‌توان گام‌های مؤثری در پیشگیری از گرایش به آسیب‌های اجتماعی در دوران بعدی زندگی نوزاد برداشت.

۳-۲. تکریم شخصیت فرزند

از دیدگاه روان‌شناسی، بسیاری از عقده‌ها و نابسامانی‌های روانی ریشه در کمبود محبت در دوران کودکی دارند. بر همین اساس، در اسلام به مهرورزی در سال‌های آغازین زندگی کودک تأکید فراوانی شده است. بر این اساس، به‌کارگیری آموزه‌های اسلامی در حوزه تربیت اقتضا می‌کند که فرایند پرورش کودک به گونه‌ای تنظیم شود که وی از نظر عاطفی با محرومیت و خلأ مواجه نگردد؛ زیرا چنین کمبودی ممکن است در آینده او را برای جبران فقدان‌های درونی، به سوی مصرف مواد مخدر سوق دهد. آیات و روایاتی که بر محبت به کودکان در دوران خردسالی دلالت دارند، بر این نکته نیز تأکید می‌ورزند که از این طریق می‌توان زمینه گرایش آنان به مصرف مواد مخدر را از میان برداشت. در ادامه، به شماری از آیات و روایات مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود.

در میان آموزه‌های قرآنی، آیه ۲۳۳ سوره «بقره» بر لزوم رعایت مصلحت کودک و منع هرگونه رفتار زیان‌بار در برابر او دلالت دارد: «لَا تُضَارَّ وَالِدَةُ بِوَلَدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ». مفاد آیه آن است که والدین نباید در بستر اختلافات خود، فرزند را در معرض آسیب قرار دهند یا او

را وسیله اضرار به یکدیگر کنند. بنابراین این آیه را می‌توان از مستندات قرآنی منع اضرار به کودک و ضرورت صیانت از سلامت جسمی و روانی او دانست.

افزون بر آیه پیش گفته، قرآن کریم در توصیف خانواده مطلوب می‌فرماید: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» (فرقان ۲۵: ۷۴). تعبیر «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» نشان می‌دهد که فرزند در منظومه تربیتی قرآن، سبب آرامش، سرور و رضایت قلبی والدین است؛ از این رو می‌توان از این آیه، مطلوبیت رابطه عاطفی مثبت، تکریم روانی فرزند و تقویت پیوند مهرآمیز در خانواده را به دست آورد. چنین فضایی در شکل‌گیری شخصیت متعادل کودک و پیشگیری از گرایش‌های پرخطر در آینده از جمله اعتیاد، نقش مهمی ایفا می‌کند.

در روایات نیز توجه به ابعاد روحی و روانی کودک و ضرورت محبت‌ورزی به او مورد اهتمام قرار گرفته است؛ از جمله پیامبر اکرم (ص) درباره محبت به کودک می‌فرماید: «کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید و هرگاه به آنان وعده دادید، به آن وفا کنید؛ زیرا آنان روزی دهنده خود را کسی جز شما نمی‌دانند» (حرعاملی، ۱۴۰۹هـ، ج ۲۱، ص ۴۸۳). این روایت افزون بر تأکید بر اصل محبت، بر لزوم رفتار کریمانه و مسئولانه با کودک نیز دلالت دارد.

همچنین امام صادق (ع) نقل می‌کنند که حضرت موسی (ع) عرض کرد: «پروردگارا، بهترین عمل نزد تو کدام است؟» خداوند متعال فرمود: «دوست داشتن کودکان بهترین عمل است؛ زیرا آفرینش آنان بر خداپرستی و توحید است» (نوری، ۱۴۰۸هـ، ج ۱۵، ص ۱۱۴). بر اساس این روایت، محبت به کودک نه تنها رفتاری عاطفی، بلکه عملی ارزشمند و همسو با فطرت پاک او به شمار می‌آید.

در روایت دیگری، امام صادق (ع) می‌فرماید: «فرزندان خود را بسیار بیوسید؛ زیرا در برابر هر بوسه، درجه‌ای در بهشت برای شما خواهد بود» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۰۴، ص ۹۲). نیز از حضرت علی (ع) نقل شده است که بوسیدن فرزند را نشانه مهر و محبت دانسته‌اند و فرموده‌اند: «بوسیدن فرزند، نشانه مهربانی و محبت است» (مجلسی، ۱۴۰۳هـ، ج ۱۰۱، ص

۹۳). این روایات نشان می‌دهد که ابراز محبت آشکار و ملموس به کودک، در منظومه تربیتی اسلام از جایگاهی ویژه برخوردار است.

هم‌بازی شدن با کودک نیز یکی از شیوه‌های ابراز محبت و ایجاد پیوند عاطفی با اوست. سیره معصومان (ع) نشان می‌دهد آنان با کودکان هم‌بازی می‌شدند و دیگران را نیز به این رفتار تشویق می‌کردند. چنان‌که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است که گفت: «بر پیامبر (ص) وارد شدم و دیدم حسن (ع) و حسین (ع) بر پشت آن حضرت سوار شده‌اند و پیامبر برای آنان زانوزده و خم شده بود و می‌فرمود: چه شتر خوبی دارید و چه هم‌بازی خوبی هستید شما» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱۵، ص ۲۰۳). این رفتار نبوی نشان می‌دهد که هم‌سطحی با کودک و مشارکت در دنیای او، از مصادیق روشن تکریم شخصیت و تأمین نیازهای عاطفی اوست.

سلام کردن به کودک نیز از دیگر نمودهای احترام‌گذاری، شخصیت‌بخشی و مهرورزی به اوست که در سیره معصومان (ع) اهمیت خاصی دارد. امام رضا (ع) از پدران بزرگوار خود نقل می‌فرماید: «پنج چیز را تا هنگام مرگ ترک نخواهم کرد که یکی از آنها سلام کردن به کودکان است تا این کار پس از من به عنوان سنتی در میان مردم باقی بماند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۲۱، ص ۵۱۵). این روایت بیان می‌کند که احترام به کودک و به رسمیت شناختن شخصیت او، بخشی از تربیت صحیح اسلامی به شمار می‌رود.

در روایتی دیگر آمده است خانواده‌ای از شرارت‌های فرزند خود به تنگ آمده بودند و پدر برای آنکه او را از این رفتارها بازدارد، وی را تنبیه بدنی می‌کرد. روزی دست فرزندش را گرفت و نزد امام کاظم (ع) آورد و از او شکایت کرد. حضرت نگاهی به او افکند و برای آموزش شیوه درست تربیت فرزند فرمود: «فرزندت را زن». آن مرد در اندیشه فرو رفت که پس چگونه باید فرزند خود را تربیت کند و منتظر ادامه سخن امام شد. حضرت در ادامه فرمود: «برای ادب کردن او، مدتی از وی دوری کن و با او قهر نما». مرد با شنیدن این سخن، گویی با افقی جدید در تربیت فرزند روبرو شد و تصمیم گرفت این شیوه را در پیش گیرد. با این حال، امام

در ادامه او را متوجه حد و مرز این روش کردند و فرمودند: «اما مراقب باش که قهرت طولانی نشود و هرچه زودتر با فرزندت آشتی کن» (مجلسی، ۱۴۰۳ هـ، ج ۱۰۱، ص ۹۹). این روایت نشان می‌دهد که در منطق تربیتی اسلام، حتی در مقام اصلاح رفتار کودک نیز اصل بر پرهیز از خشونت و تکیه بر روش‌های ملایم و عاطفی است.

از سوی دیگر، افسردگی و اضطراب ناشی از آزار دیدگی می‌تواند فرد را در معرض گرایش به استعمال مواد مخدر قرار دهد. پژوهش‌های روان‌شناختی نیز رابطه میان مصرف مواد مخدر و تجربه آزار در دوران کودکی را تأیید کرده‌اند و نشان می‌دهند که بسیاری از نوجوانان و بزرگسالانی که در کودکی مورد آزار قرار گرفته‌اند، بیش از دیگران در معرض روی‌آوری به مصرف مواد مخدر هستند (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۶ هـ.ش، ص ۱۱۵). با توجه به روایات یادشده، می‌توان گفت که در آموزه‌های فقهی نیز کودک‌آزاری به مثابه یکی از زمینه‌های مؤثر در گرایش به مصرف مواد مخدر قابل تحلیل است. بر همین اساس، اصل نخستین در مواجهه با کودک در منابع فقهی بر مدارا، محبت و رفتار مهربانانه است.

بنابراین تأکید فراوان منابع فقهی و روایی بر محبت‌ورزی به کودکان و نهی از آزار آنان، نشان‌دهنده اهمیت بنیادین دوران کودکی در شکل‌گیری شخصیت انسان است. این دوره را باید از حساس‌ترین و سرنوشت‌سازترین مراحل زندگی به شمار آورد؛ زیرا اگر کودک در این مرحله با کمبود محبت و به تبع آن با مشکلات روحی و روانی مواجه شود، این آسیب‌ها می‌توانند مراحل بعدی زندگی او را نیز تحت تأثیر قرار دهند و زمینه‌ساز انحراف، کج‌روی و گرایش به آسیب‌های اجتماعی در بزرگسالی شوند.

۳-۳. تقویت مهارت نه‌گفتن

افرادی که در دوران کودکی مهارت نه‌گفتن را یاد بگیرند، انتخاب‌های مثبت‌تری خواهند داشت. بنابراین چنانچه والدین به فرزندان خود مهارت نه‌گفتن را بیاموزند، در برابر فشارهای خارجی اعتماد به نفس آنها افزایش می‌یابد و کمتر به سوی آسیب‌های

اجتماعی و رفتارهای پرخطر می‌روند. زمانی که فرد یاد بگیرد که پیش از پاسخ به تقاضای دیگران مکث کند و پیامدهای پاسخ مثبت به آن تقاضا را در نظر بگیرد و مهارت‌های نه‌گفتن را در خود تقویت کرده باشد، برای رد تقاضای مشارکت او در کارهایی که به او آسیب می‌زند، معقولانه عمل می‌کند. در آموزه‌های اسلام به مهارت نه‌گفتن اهمیت زیادی داده شده است. اسلام با «نه» شروع می‌شود و هر شخصی برای ورود به دین اسلام باید شهادت دهد که معبودی جز خدا نیست. در واقع باید به تمام معبودهای دروغین نه بگوید و صرفاً به معبود حقیقی (الله) آری بگوید. نه‌گفتن به غیر خدا، نخستین عقیده دینی است. اینکه انسان در موقعیت‌های مختلف بتواند از روی منطق بگوید نه، مهارت زیادی می‌طلبد. «لا اله الا الله» یعنی هر کسی در هر مقامی که باشد، چنانچه حرفی بزند که مخالف با حرف خداوند باشد، به او نه می‌گویم (قرائتی، ۱۳۸۳ هـ. ش، ج ۲، ص ۱۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ هـ. ش، ج ۳، ص ۳).

گاهی موافق بودن و بله‌گفتن هیچ خطری ندارد؛ اما عمق فاجعه زمانی است که خسارت جبران‌ناپذیری به فرد، خانواده و در نهایت جامعه وارد می‌شود؛ بنابراین باید بدانیم که در چه موقعیت‌هایی باید نه بگوییم. خداوند در آیه شریفه «لا أعبد ما تعبدون» جرئت‌مندی و مهارت نه‌گفتن را به پیامبر (ص) تعلیم می‌دهد و پیامبر بدین ترتیب، با صراحت کامل خط خود را از کافران جدا می‌کند. همچنین طبق آیه «فلا تعبدوا معهم»، چنانچه کسی مصرف مواد مخدر را پیشنهاد کرد یا در حال مصرف بود و تعارف مصرف کرد، اینجاست که قرآن هشدار می‌دهد که نه بگو.

۴-۳. هم‌اندیشی و همراهی

رشد انسان با حالت وابستگی آغاز می‌شود و با دست‌یابی به استقلال به کمال نسبی می‌رسد؛ در این میان، دوره نوجوانی و جوانی مرحله‌ای میانی است که فرد به تدریج از وابستگی‌ها فاصله می‌گیرد و به سوی استقلال حرکت می‌کند. یکی از نیازهای نوجوان،

استقلال‌خواهی است که از رفتارهای او برداشت می‌شود؛ نوجوان کم‌حضورش در خانه و ارتباطش با والدین را کم می‌کند و بیشتر به فکر برقراری ارتباط با دوستانش است؛ همچنین در خانواده اظهار عقیده می‌کند و با بزرگ‌سالان مخالفت‌هایی ابراز می‌دارد. تمامی این رفتارها بیان‌کننده استقلال‌خواهی است. از آنجاکه هنوز به تجربه کامل نرسیده و آگاهی او اندک است، همچنان باید تحت حمایت خانواده و بزرگ‌سالان قرار گیرد و از طرفی خانواده نیز باید در هم‌اندیشی با او بکوشند. البته دوران نوجوانی و جوانی بدین‌گونه نیست که والدین و مربیان کاملاً فرد را تحت کنترل و هدایت خود قرار دهند؛ زیرا اگر نوجوان احساس کند که مورد امر و نهی واقع می‌شود و به اصطلاح تحت سلطه قرار دارد، ممکن است به دلیل وارد شدن خدشه به استقلالش، لجاجت کند. نوجوان در دوران نوجوانی خود را در مرتبه والدین و مربی می‌داند و توقع احترام و هم‌رأیی دارد؛ بنابراین مرحله سلطه‌پذیری و فرمان‌برداری نیست و مربیان و والدین باید تدابیر لازم را در کنار آنها و با مشورت و مشارکت آن‌ها اتخاذ کنند و رودرروی آنها قرار نگیرند (صادق‌زاده قمصری و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۱ ه.ش، ص ۲۴۲).

شواهد فراوانی در منابع اسلامی درباره اصل هم‌اندیشی و همراهی مشاهده می‌شود؛ از جمله پیامبر اکرم (ص) در روایتی، بیست و یک سال نخست زندگی انسان را به سه دوره «سیادت و صدارت»، «عبودیت و اطاعت» و «مشورت و وزارت» تقسیم می‌کنند و می‌فرمایند: «الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ، وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ: فرزند در هفت سال نخست، سرور و آقا؛ در هفت سال دوم، فرمان‌پذیر؛ و در هفت سال سوم، مشاور و همراه است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ج، ۴، ص ۹۵؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ ه.ج، ۱۵، ص ۱۹۵).

در روایت از کلمه «وزیر» استفاده شده است و دلالت بر این مطلب دارد که نوجوان با اینکه دارای استقلال است، باید یکسری محدودیت‌هایی برای او اعمال شود؛ همانند وزیر که با اینکه آزادانه بر زیردستان خود مدیریت و سرپرستی دارد، همچنان مقام مافوق (رئیس) بر او نیز نظارت دارد. تمایل به استقلال و شخصیت از اقتضائات طبیعی دوره جوانی است

و این خواسته درونی بر اساس حکمت خداوند، در سرشت انسان قرار داده شده است. از این منظر، سخن پیامبر اکرم (ص) که فرزند را در هفت سال سوم زندگی «وزیر» خانواده می‌داند، ناظر به این معناست که والدین باید منزلت او را پاس بدارند، برای شخصیتش احترام قائل شوند و با مشارکت دادن او، زمینه تبدیل شدنش به فردی شایسته و توانمند در اجتماع را فراهم آورند (فلسفی، ۱۳۴۸ ه.ش، ص ۴۴).

کلمه «ضمیمه کردن» در برخی روایات برای این مرحله از رشد اطلاق شده است؛ برای مثال نقل شده است پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «احمل صبیک حتی یأتی علیه ست سنین ثم ادبه فی الكتاب ست سنین ثم ضمّه الیک سبع سنین فادّبه بادبک فان قبل صلح و الا فخلّ عنه: فرزند خود را آزاد بگذار تا به شش سالگی برسد؛ سپس به مدت شش سال، خواندن و نوشتن و قرآن را به او بیاموز؛ آن‌گاه هفت سال او را همراه و ملازم خود قرار ده و به تربیتش پرداز. اگر تربیت پذیر شد و اصلاح گردید، چه بهتر؛ وگرنه او را رها کن» (طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ش، ص ۲۳۳).

تعبیر «ضمیمه» نشان می‌دهد با وجود اینکه فرد باید از استقلال برخوردار باشد، ضروری است که او را ملازم و همراه خود داشت و از این ملازمت و پیوستگی نباید چشم‌پوشی کرد. البته این نکته در روایت دیگری با صراحت بیان شده است: «الزَّمُّ نَفْسَکَ سَبْعَ سِنِینَ: هفت سال او را با خود همراه بدار» (طبرسی، ۱۴۰۸ ه.ش، ص ۲۳۳).

در ماجرای حضرت ابراهیم (ع) که از داستان‌های آموزنده قرآن کریم به شمار می‌آید، آن‌گاه که ایشان مأمور به ذبح فرزند خود حضرت اسماعیل (ع) شد، این مأموریت را با فرزندش در میان نهاد و نظر او را نیز جویا شد: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ: ای پسر، در خواب می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم؛ پس بنگر نظر تو چیست؟». اسماعیل (ع) نیز در پاسخ گفت: «يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ: ای پدر، آنچه را بدان مأمور شده‌ای انجام ده که اگر خدا بخواهد، مرا از شکیبایان خواهی یافت» (صافات ۳۷: ۱۰۲).

همچنین حضرت سجاد (ع) در تبیین حقوق اهل جامعه می‌فرمایند: «وَأَمَّا حَقُّ أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ... أَنْ يَكُونَ شُيُوخُهُمْ بِمَنْزِلَةِ آبِيكَ وَشَبَابُهُمْ بِمَنْزِلَةِ إِخْوَتِكَ: حق مردم سرزمین تو آن است که سالمندان آنان را همچون پدر خویش و جوانانشان را همانند برادران خود بدانی» (صدوق، ۱۴۱۳ هـ ج ۲، ص ۶۱۸). مضمون این روایت، نگاهی دقیق و درخور تأمل به جایگاه جوانان دارد؛ زیرا امام (ع) آنان را نه در جایگاه فرودست و صرفاً فرمان‌پذیر، بلکه در منزلت برادر معرفی می‌کند؛ جایگاهی که با وجود برخورداری از استقلال، همچنان با نیاز به حمایت و همراهی منافاتی ندارد. این معنادر یافته‌های روان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گرفته است.

بر پایه آموزه‌های اسلامی، نهاد خانواده در تربیت فرزندان به‌ویژه در سال‌های نخست زندگی، نقشی اساسی ایفا می‌کند. در برخی روایات، قلب و جان نوجوان آمادگی بالایی برای پذیرش تربیت دارد و به‌زمینی مستعد تشبیه شده است که هر بذری در آن افشانده شود، آن را می‌پذیرد. حضرت علی (ع) در خطاب به فرزند خویش امام حسن مجتبی (ع) می‌فرماید: «إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْحَالِيَةِ، مَا أُلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ، فَبَادَرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُوَ قَلْبُكَ...» (شریف رضی، ۱۴۱۱ هـ، نامه ۳۱، ص ۳۷۳). بر این اساس، والدین نخستین کسانی‌اند که در محیط خانواده بر شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقی فرزندان اثر می‌گذارند. شیوه رفتار، گفتار و منش آنان می‌تواند بذر فضایل یا رذایل را در وجود فرزند بنشانند و زمینه‌ساز پدید آمدن صفات پسندیده یا ناپسند اخلاقی شود. کارل راجرز نیز بر این نکته تأکید می‌کند که نوجوان به وجود یک دوست و حامی از میان بزرگسالان نیازمند است؛ از این رو یکی از وظایف مهم والدین در پیشگیری و کنترل انحراف و بزهکاری آن است که ضمن نظارت بر رفتار فرزندان، آنان را به حضور در مجالس و مناسبت‌های مذهبی تشویق کنند؛ با وجود این، از قرارگرفتنشان در محیط‌های ناسالم و معاشرت با افراد منحرف و بزهکار جلوگیری کنند (قبادیان و حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۹۵ هـ.ش، ص ۹۷ - ۱۳۱).

چنانچه اصل همراهی و هم‌اندیشی رعایت نشود و افراط و تفریط در این باره شکل گیرد، بر شخصیت نوجوان و جوان زیان جبران‌ناپذیری وارد می‌شود؛ زیرا اگر نوجوان و جوان را در

انجام کارها آزاد بگذاریم و هیچ نظارتی بر او نداشته باشیم یا برعکس رفتار کنیم و همیشه و در همه حال بر او نظارت داشته باشیم و همیشه در حال امر و نهی به او باشیم یا موجب خودسری و ستیزه‌جویی او می‌شویم یا از او موجودی مطیع و وابسته می‌سازیم که این عوامل اسباب گرایش او به انحراف و کج‌روی خواهد بود.

۳-۵. هدایت و کنترل با کمترین محدودیت

نظارت و کنترل رفتارهای نوجوانان و جوانان و بازداشتن آنها از انحرافات و ناهنجاری‌ها بایستی در بستر زندگی اجتماعی انجام شود نه جدا از بستر زندگی و بریده‌بریده. گفتنی است چنین اصلی ویژه اصلاح رفتارهای جوانان نیست، بلکه به مثابه آموزه‌ای عام و فراگیر محسوب می‌شود که صاحب‌نظران اسلامی از متون اسلامی در مباحث مربوط به «تقوا» استنباط کرده‌اند. صیانت خود از گناه با اینکه در اجتماع حضور داریم، خواست اسلام است و از آن به مثابه یک قاعده یاد می‌شود و بر آن تأکید شده است. با دور نگه داشتن و جدا کردن خود از محرک‌هایی که انسان را به سوی انحرافات می‌برد، امکان دارد که تا مدت‌زمانی از این امور وسوسه‌انگیز دور شویم؛ اما تأثیر آن بلندمدت نیست و اگر رویارویی مجدد با امور وسوسه‌انگیز داشته باشیم، باز به آن سمت گرایش پیدا می‌کنیم. «هجرت» از آموزه‌های اسلامی است و مقصود از آن، صرفِ تنهازیستن یا کناره‌گیری فردی نیست، بلکه به معنای خروج انسان از محیط اجتماعی فاسد و دوری از عوامل انحراف‌آفرین و ورود به فضایی تازه است که بسترهای رشد و تعالی در آن فراهم باشد. البته در مواردی که جداسازی تنها راه حل مؤثر شناخته شود، می‌توان از این شیوه نیز بهره گرفت؛ اما در مواردی نادر چنین حالتی پیش می‌آید؛ از این رو برای اصلاح رفتار نادرست جوانان و پیشگیری از گرایش آنها به سوی مصرف مواد مخدر و سایر آسیب‌های اجتماعی نباید از موانع و محدودیت‌های فراوان استفاده کرد، بلکه باید کمترین محدودیت‌ها را به کار گرفت؛ چراکه جوانان دارای روحیه خاصی هستند و ایجاد مانع برای آنها سبب گرایش بیشتر به آن سمت

می‌شود؛ همان‌طور که پیامبر (ص) فرمودند: «ان ابن آدم لحریص علی ما منع: آدمی زاده بر آنچه از آن بازداشته شود، حریص می‌گردد» (متقی هندی، ۱۴۰۹ هـ، ج ۱۶، ص ۱۱۳).

نتیجه

در سال‌های اخیر، مصرف مواد مخدر در میان اقشار مختلف جامعه به‌ویژه نوجوانان و جوانان، افزایش چشمگیری یافته و به یکی از بارزترین آسیب‌های اجتماعی تبدیل شده است. دین و باورهای دینی با شناسایی و معرفی عوامل روانی، زیستی و اجتماعی مؤثر در شکل‌گیری جرایم و انحرافات، همواره در پی ارائه راهکارهای عملی برای پیشگیری از بروز رفتارهای مجرمانه بوده‌اند. این تعالیم، انسان را از قرار گرفتن در موقعیت‌های جرم‌زا بازمی‌دارند و بر مرحله «پیش‌جنایی» توجه ویژه‌ای دارند. درواقع می‌توان گفت پیشگیری، کاهش و کنترل انحرافات و از جمله اعتیاد به مواد مخدر، بدون بهره‌گیری از دین و پشتوانه‌های اعتقادی، امری ناممکن یا دست‌کم بسیار دشوار است؛ زیرا وقوع جرم ماهیتی کاملاً متعارض با اخلاق دارد و اخلاق نیز بدون تکیه بر دین از استحکام و ضمانت اجرایی کافی برخوردار نیست.

بررسی آموزه‌های قرآنی نشان می‌دهد که به‌کارگیری تعالیم اسلامی در حمایت و به‌سازی کودکان و نوجوانان در معرض خطر، نقشی مؤثر در جلوگیری از گرایش آنان به مصرف مواد مخدر دارد. اسلام در پیشگیری و کاهش آسیب‌های اجتماعی از توان و ظرفیت بالایی برخوردار است و اقدامات زودهنگام آن بر پایه اصول تربیتی و آموزشی طراحی شده است. تربیت کودکانی که از کنترل درونی برخوردارند، نخستین گام در این رویکرد است؛ بدین معنا که نوجوان در مواجهه با شرایط زمینه‌ساز گرایش به مواد مخدر، با تکیه بر قدرت درونی و بازدارنده خود از مصرف آن اجتناب ورزد.

آموزه‌های اسلامی، توصیه‌های گسترده‌ای درباره کودک، والدین، محیط خانواده، مدرسه و جامعه ارائه می‌دهند و بخش مهمی از فلسفه تعالیم تربیتی اسلام ناظر به همین جنبه پیشگیرانه است؛ برای نمونه یکی از حکمت‌های تأکید قرآن در آیه ۱۵ سوره «احقاف» بر جدانشدن کودک از

مادر در سال‌های نخست زندگی، پیشگیری از شکل‌گیری اضطراب اجتماعی و احساس ناامنی در کودک است؛ امری که بنا بر یافته‌های روان‌شناسی، در صورت بروز می‌تواند در سال‌های بعد زمینه‌ساز انواع آسیب‌های اجتماعی از جمله گرایش به مصرف مواد مخدر شود.

نتایج این پژوهش نیز نشان داد که قرآن و روایات با ارائه سازوکارهایی همچون تقویت حرمت نفس، تکریم شخصیت فرزند، پرورش توانایی «نه‌گفتن»، تأکید بر ارتباط عاطفی پایدار میان مادر و نوزاد و توصیه‌های گسترده تربیتی و اخلاقی، چارچوبی جامع برای پیشگیری از گرایش به مصرف مواد مخدر فراهم می‌آورند. این یافته‌ها بیان‌کننده آن است که آموزه‌های دینی می‌توانند مبنای برنامه‌های عملی و مؤثر در حوزه پیشگیری از اعتیاد قرار گیرند.

تقدیر و تشکر

از داوران محترم و سردبیر گرامی که با دقت علمی و نکات راهگشای خود زمینه ارتقای کیفیت این مقاله را فراهم آوردند، صمیمانه سپاس‌گزاریم.

منابع مالی

این پژوهش بدون حمایت مالی خاصی از هیچ نهاد یا سازمانی انجام شده است و تمامی هزینه‌های مرتبط با آن را نویسندگان تأمین کرده‌اند.

مشارکت نویسندگان

کلیه مراحل پژوهش شامل طراحی مطالعه، گردآوری و تحلیل داده‌ها، نگارش و بازبینی متن را نویسندگان مقاله به طور مشترک انجام داده‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان پژوهش تأیید می‌کنند که هیچ‌گونه تضاد منافع (مالی، شخصی، حرفه‌ای یا دیگر روابط) که بتواند بر نتایج یا تفسیرهای ارائه شده در این پژوهش تأثیر بگذارد، وجود ندارد.

کتاب‌نامه

۱. قرآن کریم
۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد. [بی‌تا]. غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه: محمدعلی انصاری. قم: دارالکتاب.
۳. ابن‌ابی‌الحدید، عبدالحمید. (۱۳۸۷ هـ). شرح نهج البلاغه. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴. ابن‌منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ هـ). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۵. اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۳ هـ.ش). فقه تربیتی، مبانی و پیش‌فرض‌ها. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.
۶. پورحسین، رضا. (۱۳۷۴ هـ.ش). «ارتباط مادر با کودک»، مجله پیوند. ش ۱۸۹ - ۱۹۰ - ۱۹۱.
۷. حبیبی، سمیرا؛ محمدحسین فلاح؛ و مسعود عمویور. (۱۳۹۶ هـ.ش). «اثرات سوء کودک‌آزاری بر ویژگی‌های شخصیتی کودکان». فصلنامه مطالعات روان‌شناسی و تربیتی. دوره ۳. ش ۲.
۸. حرانی، حسن بن شعبه. (۱۴۰۴ هـ). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ هـ). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۱۰. حسین‌آبادی، مجید. (۱۳۹۰ هـ.ش). «اثربخشی گروه درمانی وجودی - انسان‌گرایانه بر میزان سلامت روان زندانیان و بررسی سهم عزت نفس و احساس شرم در بهبود سلامت روان». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.
۱۱. حقیقت‌پور، حسین. (۱۳۹۲ هـ.ش). «جایگاه کرامت انسان در فرآیند استنباط احکام». فصلنامه فقه و مبانی حقوق دانشگاه فردوسی مشهد. ش ۹۴.
۱۲. خوشابی، کتایون؛ و الهام ابوحمزه. (۱۴۰۲ هـ.ش). جان بالبی (نظریه دلبستگی). تهران: انتشارات دانه.
۱۳. راغب، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ هـ). مفردات الفاظ القرآن. لبنان: دارالعلم - دارالشامیه.
۱۴. شریف‌رضی، محمد بن حسین. (۱۴۱۱ هـ). نهج البلاغه. مصحح: صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۵. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد. (۱۴۱۴ هـ). المحيط فی اللغة. بیروت: عالم‌الکتاب.
۱۶. صادق‌زاده، علیرضا؛ و محمدعلی حاجی‌ده‌آبادی. (۱۳۸۱ هـ.ش). تربیت اسلامی. کتاب چهارم، ویژه مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (ع). [بی‌جا]: [بی‌نا].
۱۷. صدوق، ابی‌جعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی. (۱۴۱۳ هـ). من لایحضره الفقیه. ج ۲. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴ هـ.ش). المیزان فی تفسیرالقرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۹. طبرسی، ابی‌نصر الحسن بن الفضل. (۱۴۰۸ هـ). مکارم الاخلاق. بیروت: دارالحوراء.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ هـ.ش). مجمع البیان. تهران: کتابفروشی اسلامی.

۲۱. طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ هـ). تهذیب الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۰۹ هـ). کتاب العین. قم: دارالهجره.
۲۳. فلسفی، محمدتقی. (۱۳۴۸ هـ.ش). گفتار فلسفی، جوان از نظر عقل و احساسات. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۴. قبادیان، علی؛ محمدعلی حاجی ده‌آبادی. (۱۳۹۵ هـ.ش). «الگوی کنترل درونی اخلاق محور در سیاست‌گذاری جنایی». اسلام و مطالعات اجتماعی. دوره ۳، ش ۴. پیاپی ۱۲. ص ۹۷ - ۱۳۱.
۲۵. قرائتی، محسن. (۱۳۸۳ هـ.ش). تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۳ هـ). الکافی. تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
۲۷. گسن، ریموند. (۱۳۷۰ هـ.ش). جرم‌شناسی کاربردی. ترجمه: مهدی کی‌نیا. تهران: نشر مترجم.
۲۸. متقی هندی، علی بن حسام‌الدین. (۱۴۰۹ هـ). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: مؤسسه الرساله.
۲۹. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ هـ). بحار الانوار. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۰. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۴ هـ.ش). حکمت‌نامه جوان. ترجمه: مهدی مهریزی با همکاری احمد غلامعلی. قم: دارالحدیث.
۳۱. مساواتی‌آذر، مجید. (۱۳۷۴ هـ.ش). آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، تبریز: انتشارات نوبل.
۳۲. مصطفوی، سیدمحمدکاظم. (۱۳۶۸ هـ.ش). مائه قاعده فقهیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۳۳. معظمی، شهلا. (۱۳۸۶ هـ.ش). «پیشگیری جرم‌شناختی». فصلنامه مجد. دوره ۱، ش ۱.
۳۴. معین، محمد. (۱۳۶۰ هـ.ش). فرهنگ فارسی. تهران: سپهر.
۳۵. نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۸۲ هـ.ش). تقریرات درس جرم‌شناسی. تدوین: مهدی سیدزاده. قم: مجتمع آموزش عالی قم.
۳۶. نوری، میرزاحسین. (۱۴۰۸ هـ). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۳۷. هیشمی، علی بن ابی‌بکر. (۱۴۰۸ هـ). مجمع الزوائد و منبع الفوائد. بیروت: دارالکتب العلمیه.

